



Studies on Understanding Hadith

P-ISSN: 2588-3895

E-ISSN: 2588-4417



DOI: 10.30479/mfh.2023.17791.2166

Typology of Hadiths of Ghadir in the Works of Nasa'i and Tabarani Mohammad Taghi Diari Bidgoli¹ Yusuf Farshadnia^{2*}

Abstract

Examining different types of hadiths of Ghadir in providing a clear picture and discovering some neglected facts and knowledge of Ghadir's revelatory event is essential and has the capacity to respond to the research and educational needs of the current era. This article is based on the method of content analysis and with library documents on typology, determining the frequency, comparing the hadiths of Ghadir in the works of two Sunni scholars of the third and fourth centuries, namely Ahmad bin Shoaib Nasa'i and Suleiman bin Ahmad Tabarani, and paying attention to the knowledge that can be extracted from the types. Various hadiths of Ghadeer have been discussed. Twenty narrations of Ghadir extracted from Nasa'i's works were classified into six types and forty narrations of Ghadir were placed into nine types in Tabarani's works. The appeals of Imam Ali (A.S), taking martyrdom from the people by the Prophet (PBUH), news sentences, and Ibn Abbas's narration are common types (and at the same time different in terms of frequency and structure) in the works of Nasa'i and Tabarani. Among the points of commonality and difference, we can mention the types of taking the martyrdom of the Prophet (PBUH). In the works of Nasa'i, one case of the hadiths is taking testimony without asking questions (the news aspect), but in the works of Tabarani, all of them are with questioning sentences of the Prophet (PBUH). "Don't I deserve you more than yourself?" was observed. It is also one of the common types in the works of Nasa'i and Tabarani, the narration of Ibn Abbas, which has a high consistency both in terms of the document and the text. Knowledge such as the position of imamate and the guardianship of the innocents (A.S) especially the Commander of the Faithful Ali bin Abi Talib (A.S), the virtues of the Ahl al-Bayt (A.S), the relationship between the Qur'an and Atrat (saqlain), answers to doubts about the imamate, etc. can be extracted from the types of Ghadeer hadiths. Is.

Keywords

Hadiths of Ghadir, Typology of Hadiths, Wilayat Amir al-Mu'minan Ali bin Abi Talib (A.S), Nasa'i, Tabarani.

Article Type: Promotional

1. Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Qom, Qom, Iran.

Email: mt_diari@yahoo.com

2. Responsible Author, Master's Student of Science of Hadith - Tafsir athari, University of Qom, Qom, Iran. Email: farshadnia.yusuf@gmail.com

Received on: 05/09/2022 Accepted on: 02/05/2023

Copyright © 2023, Diari Bidgoli & Farshadnia

Publisher: Imam Khomeini International University.





شماره چاپی: ۲۵۸۸-۲۸۹۵
شماره مجله: ۲۵۸۸-۴۴۱۷

مطالعات فہم حدیث



DOI: 10.30479/mfh.2023.17791.2166

گونه‌شناسی احادیث غدیر در آثار نسائی و طبرانی

محمدتقی دیاری بیدگلی^۱
یوسف فرشادنیا^{۲*}

چکیده

بررسی گونه‌های مختلف احادیث غدیر در ارائه تصویری روشن و کشف حقایق و معارف مغفول از واقعه و حیاتی غدیر، امری ضروری و از ظرفیت پاسخ‌گویی به نیازهای پژوهشی و آموزشی عصر کنونی برخوردار است. نوشتار حاضر به روش تحلیل محتوا و اسناد کتابخانه‌ای به گونه‌شناسی، تعیین فراوانی، مقایسه احادیث غدیر در آثار دو عالم اهل سنت قرون سوم و چهارم یعنی؛ احمد بن شعیب نسائی و سلیمان بن احمد طبرانی و توجه به معارف قابل استخراج از گونه‌های مختلف حدیث غدیر پرداخته است. بیست روایت غدیر استخراج شده از آثار نسائی در شش گونه و چهل روایت غدیر در آثار طبرانی در نه گونه قرار گرفت. مناشدات امام علی (ع)، اخذ شهادت از مردم توسط پیامبر (ص)، جمالات خبری و همچنین روایت ابن عباس از گونه‌های مشترک (و در عین حال متفاوت از جهت فراوانی و ساختار) در آثار نسائی و طبرانی است. از جمله وجوه اشتراک و اختلاف می‌توان به گونه اخذ شهادت پیامبر (ص) اشاره کرد. در آثار نسائی موردی از احادیث اخذ شهادت بدون طرح سؤال (جنبه خبری) اما در آثار طبرانی همگی با جملات سؤالی پیامبر (ص) نظیر: «أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟» مشاهده شد. همچنین از گونه‌های مشترک در آثار نسائی و طبرانی، روایت ابن عباس که هم از جهت سند و متن از همخوانی بالایی برخوردار است. معارفی چون؛ مقام امامت و ولایت معصومان (ع) به ویژه امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع)، فضائل اهل بیت (ع)، نسبت قرآن و عترت (ثقلین)، پاسخ شبها امامت و... از گونه‌های احادیث غدیر قابل استخراج است.

کلیدواژه‌ها

احادیث غدیر، گونه‌شناسی احادیث، ولایت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع)، نسائی، طبرانی.

نوع مقاله: ترویجی

۱. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، ایران. mt_diari@yahoo.com
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم حدیث- تفسیر اثری دانشگاه قم، ایران (نویسنده مسئول). farshadnia.yusuf@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۲



ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

۱. طرح مسأله

از شواهد قطعی بر امامت امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع) که در روایات بر آن تأکید شده، حادثه غدیرخم است (معارف، بی تا، ۱). از طرفی حدیث غدیر هم در منابع روایی اهل سنت و هم شیعه، ضمن تواتر به گونه‌های مختلفی بیان شده است. برای نمونه می‌توان به گونه «مُنَاشَدَه» اشاره کرد که علامه امینی به نقل از منابع عامه به آن پرداخته است (ر.ک: امینی، ۱۴۱۶ق، ۱: ۳۴۶).

با نظری به منابع روایی اهل سنت، شاهد تنوع گونه‌ها در روایات غدیر هستیم. در این میان أحمد بن شعیب نسائی (م ۳۰۳ق) روایات غدیر را در آثار خود از جمله سنن کبری و خصائص امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع) بیان کرده است. همچنین سلیمان بن احمد طبرانی (م ۳۶۰ق) دیگر عالم اهل سنت که در قرون سوم و چهارم می‌زیسته در آثار خود از جمله معاجم سه‌گانه (صغیر، اوسط و کبیر) روایات غدیر را ارائه کرده است. نکته قابل تأمل، وجود گونه‌های مختلف روایت غدیر در آثار این دو عالم اهل سنت است. بی‌شک بررسی گونه‌های مختلف روایات غدیر در ارائه تصویر روشنی از؛ رخداد سترگ غدیر، مسائل مرتبط با آن از جمله؛ شناخت حاضران و واقعه، راویان و طرق حدیث، تولید محتوا جهت اقناع مخالفان و تقویت عقیده موافقان، استخراج عصمت، ولایت و جایگاه اهل بیت (ع)، فضیلت‌های امامان (ع) و ... امری ضروری و دارای ظرفیت پاسخ‌گویی به نیازهای پژوهشی و آموزشی عصر حاضر است. این پژوهش با هدف پاسخ به سؤالات ذیل نگاشته شده است؛

الف. روایت غدیر در آثار نسائی و طبرانی به چند گونه و با چه فراوانی بیان شده است؟

ب. وجوه امتیاز و اشتراک گونه‌های حدیث غدیر در آثار نسائی و طبرانی چیست؟

پ. علاوه بر مسئله غدیر، چه معارف دیگری از گونه‌های مختلف احادیث غدیر قابل استخراج است؟

در خصوص حدیث غدیر، پژوهش‌های فراوانی انجام شده؛ اما در خصوص گونه‌شناسی روایت غدیر، پژوهش‌های محدودی صورت گرفته است. باقرزاده و حسینی (۱۳۹۶ش) در مقاله «یوم الرحبه و تحلیل مواجهه شاهدان غدیر خم با آن» با رویکرد کلامی «مُنَاشَدَه» حضرت علی (ع) را در «رحبه» با هدف پاسخ به شبهاتی نظیر؛ شبهه محمد بن عبد الوهاب مبنی بر عدم ادعای خلافت توسط امام علی (ع) نگاشته‌اند. دیاری بیدگلی، تجری و دهقان منشادی (۱۴۰۰ش) در مقاله

«تحلیل رویکردهای حدیثی علامه امینی پیرامون احادیث مناشده در کتاب الغدیر» به تحلیل رویکردهای حدیثی علامه امینی با محوریت جلد اول کتاب «الغدیر فی الکتاب و السنه و الأدب» بخش «المناشده و الاحتجاج بحديث الغدير الشريف» پرداخته‌اند. برخی نتایج مقاله دیاری بیدگلی و همکاران، حکایت از آن دارد که علامه امینی در بخش «المناشده...» به نقل از منابع اهل سنت، نه مناشده و دوازده احتجاج را ضمن تأکید بر ثقه بودن راویان آن‌ها آورده است.

موسوی (۱۴۰۰ش) در مقاله «گونه‌شناسی روایات غدیر در بشاره المصطفی» به گونه‌شناسی احادیث غدیر کتاب بشاره المصطفی اثر محمدبن ابوالقاسم طبری (قرن ششم) پرداخته که سیزده گونه از قبیل؛ احتجاج امام علی (ع)، گفتگو درباره غدیر و... را در مقاله خود ارائه نموده است. وجه امتیاز نوشتار پیش‌رو با مطالعات پیشین را می‌توان بدین‌گونه بیان نمود؛

۱. گونه‌شناسی روایات غدیر در آثار محمدبن شعیب نسائی و همچنین سلیمان بن احمد طبرانی که برای اولین بار بدان پرداخته می‌شود ۲. ارائه فراوانی گونه‌ها ۳. بررسی وجوه امتیاز و اشتراک روایات غدیر در آثار نسائی و طبرانی ۴. بررسی ظرفیت گونه‌ها در استخراج معارفی چون؛ امامت، ولایت، فضائل معصومان (ع)، پاسخ‌گویی به شبهات امامت و جز آن‌ها.

روش پژوهش حاضر بر مبنای تحلیل محتوای احادیث غدیر با محوریت آثار نسائی و طبرانی با هدف گونه‌شناسی حدیث غدیر است. گونه‌شناسی و تحلیل محتوای احادیث از روش‌های راهبردی جهت کشف معارف مغفول و گاهی با هدف ارزیابی و پاسخ به چالش‌های تاریخی است. برای نمونه در پژوهشی جهت بررسی چالش‌های فهم احادیث آفریشن حضرت آدم در سده‌های دوم و سوم از گونه‌شناسی اسنادی-متنی استفاده شده است (ر.ک: پاکتچی، ۱۳۹۳ش، ۱۰).

در پژوهشی دیگر و بر پایه تحلیل محتوا به لایه‌شناسی مضمونی محتوای سه خطبه غدیر پرداخته شده است (ر.ک: جانی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷ش، ۷۷). در ذیل، نمایی از جدول تحلیل محتوا مشاهده می‌شود. بر اساس داده‌های مستخرج از جدول تحلیل محتوا که هم برای آثار نسائی و هم طبرانی طراحی شده به ترسیم نمودارهای فراوانی گونه‌ها در دو اثر پرداخته می‌شود. در نهایت ضمن بیان وجوه اشتراک و اختلاف گونه‌ها، گونه‌های مشترک، مورد بررسی و مقایسه و معارف قابل استخراج از گونه‌ها به صورت مختصر مورد اشاره قرار می‌گیرد.

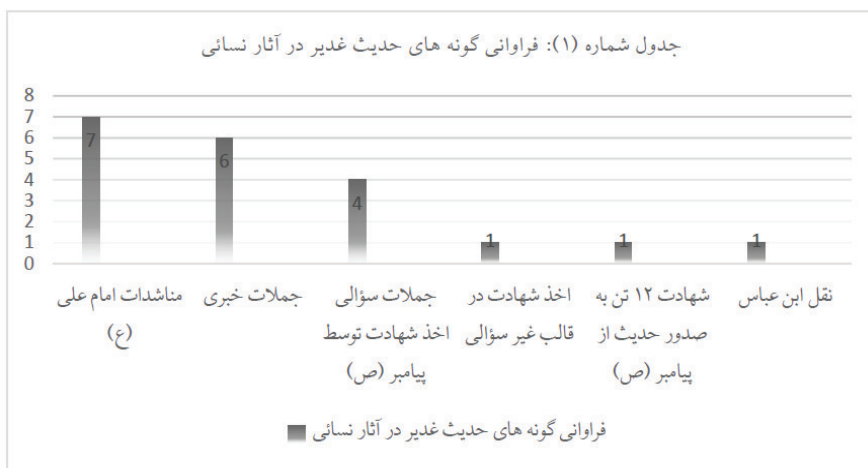
گونه‌شناسی حدیث	منبع	عبارت حدیث	طریق حدیث
مناشده	نسائی، ۱۴۱۹ق، ۱۴۲-۱۴۱	«أَتَشُدُّ بِاللَّهِ مَنْ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ يَقُولُ أَنَّ اللَّهَ وَلِيُّيَ وَ أَنَا وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ كُنْتُ وَلِيَّهُ فَهَذَا وَلِيُّهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ أَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ»	«أَخْبَرَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ حَرِيثٍ الْمَرْوَزِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْفَضْلُ بْنُ مُوسَى عَنِ الْأَعْمَشِ عَنِ أَبِي اسْحَاقَ عَنِ سَعِيدِ بْنِ وَهَبٍ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ قَالَ عَلِيُّ فِي الرَّحْبِ»

۲. گونه‌های حدیث غدیر و فراوانی آن در آثار نسائی

با بررسی بیست روایات غدیر موجود در آثار نسائی، شش گونه با فراوانی متفاوت از حدیث غدیر استخراج شد که در ادامه ارائه می‌شود. شایان ذکر است؛ بریده‌بن‌الحصیب الأسلمی، زیدبن‌أرقم الأنصاری، زیدبن‌یشیع، سعدبن‌أبی‌وقاص، سعیدبن‌وهب، عامربن‌وائله أبو‌الطفیل، عبدالله‌بن‌عبّاس، عمرو بن ذومر و عمیره‌بن‌سعد، راویان حدیث غدیر در آثار نسائی را تشکیل می‌دهند (ابن‌عقده، ۱۴۲۷ق، ۱۵۹).

۲-۱. فراوانی گونه‌ها در آثار نسائی

نمودار ستونی ذیل از فراوانی گونه‌های حدیث غدیر در آثار نسائی حکایت می‌کند.



طبق نمودار فوق، در آثار نسائی، بیشترین گونه از احادیث غدیر، مربوط به مناشدات امام علی (ع) (۷ مورد) است. رتبه دوم به جملات خبری در اشکال متفاوت (۶ مورد) اختصاص گرفته است. جملات سؤالی پیامبر (ص) جهت اخذ شهادت از حاضرین در مناسبت‌های مختلف و در نهایت تأییدیه فرموده پیامبر (ص) در حق امام علی (ع) از جهت فراوانی در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرد.

۲-۲. بررسی گونه‌های حدیث غدیر در آثار نسائی

در ادامه به بررسی اجمالی شش گونه‌شناسایی شده احادیث غدیر در آثار احمد بن شعیب نسائی می‌پردازیم.

گونه‌ی اول: مناشدات امام علی (ع)

بیشترین فراوانی حدیث غدیر از نظر گونه در آثار نسائی، به مناشدات امام علی (ع) اختصاص دارد. در مناشدّه و احتجاج، غرض آن است که شخص، برای اثبات مدعای خود، دلیل و برهانی بیاورد؛ با این تفاوت که در مناشدّه، با مخاطب خود با این صیغه سخن می‌گوید: «أَنْشُدُكَ (أَنْشُدُكُمْ) اللَّهُ... يَا أَنْشُدْتُكَ (أَنْشُدْتُكُمْ) بِاللَّهِ...؛ تو (شما) را به خداوند سوگند می‌دهم که گواهی دهی (دهید) (دیاری و همکاران، ۱۴۰۰ ش، ۱۳۷). در مناشداتی که در آثار نسائی دیده شد می‌توان یک تفاوت کوچک را بیان داشت و آن این‌که؛ حضرت در برخی مناشدات بعد از بیان صیغه مناشدّه «أَنْشُدُ اللَّهُ وَ...» و بدون اشاره به فرموده پیامبر (ص) از مخاطبان می‌خواهد که آنان گفته پیامبر (ص) را ذکر کرده و شهادت دهند. اما در بیشتر مناشدات، فرموده پیامبر گرامی اسلام (ص) در حق امام علی (ع) که فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلِيٌّ مَوْلَاً» تکرار شده است. اولین مناشدّه و به نقل از زید بن یثیع همدانی بیان می‌دارد که امام علی (ع) بر منبر مسجد کوفه، صحابه پیامبر اکرم (ص) را مورد مناشدّه قرار دادند: «إِنِّي مُنْشِدُ اللَّهِ رَجُلًا وَلَا أَنْشُدُ إِلَّا أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ صَ مَنْ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَ يَقُولُ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلِيٌّ مَوْلَاً اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالًا وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ...» (نسائی، ۱۴۱۹ق، ۱۲۰-۱۲۱).

حضرت در مناشدّه فوق تنها صحابه پیامبر اعظم (ص) را مورد سؤال قرار می‌دهد و در آن عبارت کلیدی «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلِيٌّ مَوْلَاً، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ»

۱. مناشدّه غالباً با افرادی صورت می‌گرفته که به ظاهر مسلمان و بعضاً در عداد اصحاب رسول خدا (ص) بوده‌اند، در حالی که احتجاجات از کلیت و شمول بیشتری برخوردار است؛ زیرا احتجاج نه تنها با مسلمین، بلکه با اهل کتاب و منکرین دین صورت می‌گرفته است (توحیدی، ۱۳۷۷ ش، ۱۴).

را متذکر می‌شوند. در پاسخ به این مناشده، شش نفر از یک سمت و شش نفر دیگر از سمت دیگر منبر، بلند شدند و شهادت دادند که فرموده پیامبر (ص) را شنیده‌اند. در مناشده‌ای دیگر و به نقل از سعیدبن وهب الهمدانی، گزارشی از مناشده امام علی (ع) از پنج یا شش نفر از صحابه پیامبر (ص) ارائه شده است (همان، ۱۲۲-۱۲۶). همچنین سعیدبن وهب به تفصیل، مناشده امام علی (ع) در «الرحبه» را گزارش می‌کند: «أَشَدُّ بِاللَّهِ إِلَهَهُ مَنْ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ص يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ يَقُولُ أَنَّ اللَّهَ وَلِيِّيَ وَأَنَا وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ كُنْتُ وَلِيِّهٖ فَهَذَا وَلِيِّهٖ...» (همان، ۱۴۱-۱۴۲).

حضرت در مناشده فوق، فرموده پیامبر (ص) را به گونه‌ای بیان نموده که از ولایت خداوند شروع و به ولایت امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع) و جمله دعائی «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادَ مَنْ عَادَاهُ وَانْصَرَّ مَنْ نَصَرَهُ» ختم می‌شود. در پاسخ به این مناشده، سعیدبن وهب می‌گوید که شش نفر که کنار من نشسته بودند بلند شدند و شهادت دادند. همچنین زیدبن یثع نیز اذعان داشته که شش نفر از کنارش قیام کرده و شهادت دادند. نیز عمرو ذومرّ جمله: «أَحَبُّ مَنْ أَحَبَّهُ وَأَبْغَضُ مَنْ أَبْغَضَهُ...» را بیان نموده است (همان).

در مناشده‌ای دیگر که با دو طریق از ابی الطفیل به عامر بن وائله الیثی می‌رسد پاسخ مخاطبان این گونه است: «فَقَالَ إِنَّا فَشَّهَدُوا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ أَلَسْتُمْ تَعْلَمُونَ إِنِّي أَوْلِي بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟ وَ هُوَ قَائِمٌ ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ فَقَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادَ مَنْ عَادَاهُ» (همان، ۱۳۵-۱۳۷). ابوالطفیل می‌گوید من در حالی خارج شدم که نسبت به این مسأله تردید داشتم تا این که زیدبن ارقم را ملاقات کرده و جریان را برایش بازگو کردم که زید این گونه به ابوالطفیل پاسخ می‌دهد: «و ما تُتَكَبَّرُ؟ أَنَا سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص)» (همان) و تصریح می‌کند که فرموده رسول خدا (ص) را شنیده است. عمرو بن ذی مرّ و عمیره بن سعد همدانی نیز هر کدام گزارشی از مناشده‌ی امام علی (ع) را نقل کرده‌اند. اما سؤالی که قابل طرح است این که گونه‌ای چون مناشده چه تفاوتی با سایر گونه‌های حدیث غدیر دارد؟ در پاسخ باید بیان داشت که هرگونه و بیان در طرح حدیث غدیر دارای رسالت و راهبردی که ممکن است در زمان و مکان مختلفی مورد انتفاع قرار گیرد. برای نمونه می‌توان به اشکال محمدبن عبدالوهاب اشاره نمود. وی معتقد است که جمله «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ...» بر خلافت بلافصل امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع) دلالت ندارد چرا که اگر چنین بود حضرت آن را ادعا می‌کرد. با توجه به این که او [امام علی (ع)] به مفاد حدیث داناتر بود و چنین ادعائی از جانب وی مطرح نشده است بنابراین ادعای خلافت بلافصل

او باطل است (ر.ک: ابن‌عبدالوهاب، ۱۴۲۲ق، ۷). در مقام پاسخ باید گفت که حضرت با وجود نقل‌های مختلف از حدیث، از راهبرد «مُنَاشَدَه» در موارد متعددی بهره برده که در آثار نسائی این‌گونه در رتبه اول از جهت فراوانی قرار گرفته است.

گونه‌ی دوم: جملات خبری

گونه‌ی دیگر حدیث غدیر در آثار نسائی به جملات خبری تعلق دارد که خود دارای اشکال و ساختارهای مختلفی است. برای نمونه در نقلی از سعدبن‌ابی‌وقاص الزهری تنها جمله معروف: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةً فَعَلَيْ مَوْلَاةٍ» از قول پیامبر (ص) نقل شده است (نسائی، ۱۴۱۹ق، ۱۲۰). در روایتی دیگر بریده‌بن‌الحصیب اسلمی می‌گوید؛ پیامبر (ص) مرا به همراه علی (ع) سوی یمن فرستاد. بریده نقل می‌کند که در این سفر از حضرت علی (ع) تندی‌ای دیدم و هنگام بازگشت آن را نزد پیامبر (ص) شکایت کردم که حضرت سرش را بالا برد و به من فرمود: «يَا بُرَيْدَةُ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةً فَعَلَيْ مَوْلَاةٍ» (همان، ۱۱۸-۱۱۹).

در حدیثی دیگر به نقل از زیدبن‌أرقم به تفصیل به مسأله غدیر پرداخته شده است. پیامبر (ص) به نزدیکی وفاتشان اشاره و بلافاصله مسأله «ثقلین» را مطرح نموده و به چگونگی رفتار با آن‌ها بعد از رحلتش هشدار می‌دهند. حضرت در ادامه فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ مَوْلَايَ وَأَنَا وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ فَقَالَ مَنْ كُنْتُ وَلِيًّا فَهَذَا وَلِيُّهُ وَاللَّهِمَّ وَالِ مَنْ وَالَاةَ وَعَادَ مَنْ عَادَاةَ، مَنْ كُنْتُ وَلِيًّا فَهَذَا وَلِيُّهُ وَاللَّهِمَّ وَالِ مَنْ وَالَاةَ وَعَادَ مَنْ عَادَاةَ» (نسائی، ۱۴۱۹ق، ۱۱۲؛ همو، ۱۴۱۱ق، ۵: ۴۵). حضرت ولایت مطلق خداوند و همچنین ولایت رسولش بر مؤمنان را ذکر و در نهایت با گرفتن دست حضرت علی (ع) به جانشینی و ولایت ایشان با یک جمله دعائی (ابشار و انذار) تصریح می‌کنند. به‌طوری‌که؛ زیدبن‌أرقم به شنیده شدن فرمایش پیامبر (ص) توسط تمام حاضرین اذعان کرده است (همان).

در حدیثی دیگر و به نقل از عائشه بنت سعدبن‌ابی‌وقاص الزهری آمده که وی از پدرش (سعد) شنیده که پیامبر (ص) فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي وَلِيُّكُمْ قَالُوا صَدَقْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ص ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ فَرَفَعَهَا فَقَالَ هَذَا وَهَذَا وَلِيُّيَّ وَالْمُؤَدِّي عَنِّي وَ أَنَّ اللَّهَ مُوَالٍ لِمَنْ وَالَاةَ وَ مُعَادٍ لِمَنْ عَادَاةً» (نسائی، ۱۴۱۹ق، ۳۱). در این حدیث ضمن تصدیق پیامبر (ص) توسط مردم در مسأله ولایت، حضرت با بالا بردن دست امیرمؤمنان علی‌بن‌ابی‌طالب (ع)، علاوه بر ذکر واژه «وَلِيُّيَّ»، ترکیب «وَالْمُؤَدِّي عَنِّي» را بیان می‌دارد. یعنی مقام حضرت به عنوان پرداخت‌کننده‌ی وام رسول‌الله (ص) و اداکننده‌ی دین از جانب حضرتش است. همچنین از سعدبن‌ابی‌وقاص آمده که در مجلسی نشسته بود و از علی (ع) بدگویی

می‌شد که گفت از از رسول خدا (ص) شنیدم که در حق علی (ع) می‌گوید: «لَهُ ثَلَاثَةٌ لَأَنَّ تَكُونَ لِي وَاحِدٌ مِنْهُمْ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ إِلَيَّ أَنْ قَالَ وَسَمِعْتُهُ يَقُولُ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةً فَعَلِيٌّ مَوْلَاةً» (همان، ۳۵) که ضمن بیان فضائل سه‌گانه به مسئله ولایت حضرت اشاره شده است. آنچه قابل تأمل است این‌که در گونه‌های خبری، ظرفیت استخراج معارفی در حیطه امامت وجود دارد. برای نمونه می‌توان به مقام امام به عنوان ادا کننده دین خدا (همان، ۳۱)، فضائل امام (همان، ۳۵)، تبعیت بی‌چون و چرا از امام (همان، ۱۲۰) اشاره نمود.

گونه‌ی سوم: جملات سؤالی پیامبر (ص) جهت اخذ شهادت

رتبه سوم با فراوانی چهار مربوط به جملات سؤالی پیامبر (ص) با هدف دریافت شهادت حاضران است. در نقلی، پیامبر اکرم (ص) از بریده بن الحصیب اسلمی می‌پرسد: «أَلَسْتُ أُولِي بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ قُلْتُ [بَرِيدُهُ]: بَلِي يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةً فَعَلِيٌّ مَوْلَاةً» (نسائی، ۱۴۱۱ق، ۵: ۴۵). در نقلی دیگر زیدبن‌أرقم می‌گوید که پیامبر (ص) در حالی که خداوند را حمد و ستایش کرد فرمود: «أَلَسْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنِّي أُولِي بِكُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ نَفْسِهِ؟ قَالُوا: بَلِي نَشْهَدُ لَأَنْتَ أُولِي بِكُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ نَفْسِهِ...» (نسائی، ۱۴۱۹ق، ۱۲۰-۱۲۱).

حضرت در قالب طرح سؤال از جایگاه ایشان در مسأله ولایتش بر مردم و گرفتن اقرار از آن‌ها جمله «فَأَنِّي مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةً فَهَذَا مَوْلَاةً» را بیان فرمود و دست علی (ع) را گرفت (همان). مشابه سؤالات و اقرارات فوق در حدیثی به نقل از عائشه دختر سعد آمده با این تفاوت که حضرت در پایان، این عبارت را بیان فرمود: «وَإِنَّ اللَّهَ يُؤَلِّي مَنْ وَالَاهُ وَيُعَادِي مَنْ عَادَاهُ» (همان، ۱۳۷-۱۳۸) و قطعاً خداوند دوست می‌دارد هر کس با او دوستی کند و دشمنی می‌کند با هر کس با او دشمنی کند. در آخرین حدیث سؤالی پیامبر (ص) در آثار نسائی و به نقل از عائشه دختر سعد و ایشان به نقل از پدرش بیان می‌کند که همراه پیامبر (ص) در راه مکه به مدینه هنگامی که به غدیر خم رسیدند حضرت دستور توقف را صادر کرده و همه را که نسبت به آن مکان پیش و پس بودند را فرا خواندند. آن هنگام که همه جمع شدند فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ، هَلْ بَلَّغْتُ؟ قَالُوا: نَعَمْ، قَالَ: «اللَّهُمَّ اشْهَدْ» - ثلاث مرات يقولها - ثم قال: «أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ وَلِيْتُكُمْ؟ قَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ - ثلاثاً...» (همان، ۱۳۹-۱۳۸) حضرت ابتدا با این سؤال که آیا من رسالت پیامبری (ص) را ابلاغ کردم؟ حاضران پاسخ مثبت دادند. حضرت سه مرتبه خداوند را با عبارت «اللَّهُمَّ اشْهَدْ» گواه می‌گیرند. در گام بعدی از «ولیت» می‌پرسند که در پاسخ،

حاضران خداوند و رسولش را ولی خود معرفی [آن هم در سه مرتبه] می‌کنند. حضرت سپس دست امام علی (ع) را بالا گرفته و فرمود: «مَنْ كَانَ آلَ اللَّهِ وَرَسُولَهُ وَلِيَّةً فَهَذَا وَلِيُّهُ...» حضرت ولایت امام علی (ع) برای کسی که خداوند و رسولش ولی اویند مطرح نموده و با جمله دعائی «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ» به سخن خود پایان داد.

گونه‌ی چهارم: اخذ شهادت در قالب غیر سؤالی

یک مورد از گونه‌های حدیث غدیر در آثار نسائی به شهادت و اقرار گرفتن توسط پیامبر (ص) در قالب غیر سؤالی اختصاص دارد. شایان ذکر است که در جملات سؤالی نیز اقرار و شهادت گرفتن پیامبر (ص) از مخاطبان نیز مشهود بود اما تفاوت این قسم در نوع جمله‌بندی است به طوری که قالب آن حالت سؤالی ندارد و در واقع جمله خبری‌ای که گوینده در انتظار شنیدن شهادت و اقرار مخاطبان است. در حدیثی هم عائشه (بنت سعد) و هم عامر (بن سعد) از سعد نقل می‌کنند که پیامبر (ص)، مردم را مورد خطاب قرار داد و فرمود: «أَمَّا بَعْدُ - أَيُّهَا النَّاسُ - أَنِّي وَلِيُّكُمْ [قَالُوا] صَدَقْتَ، ثُمَّ أَخَذَ يَدِي عَلَيَّ فَرَفَعَهَا، ثُمَّ قَالَ: هَذَا وَلِيِّي وَالْمُؤَدِّي عَنِّي، وَالِ اللَّهُ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ» (نسائی، ۱۴۱۹ق، ۱۳۷). در این عبارت پیامبر (ص) با طرح مسأله قطعی ولایتش بر مردم و دریافت شهادت با کلمه «صَدَقْتَ» دست امام علی (ع) را بالا برده و هم مسأله ولایت ایشان و هم فراز دعائی «وَالِ اللَّهُ مَنْ وَالَاهُ...» را بیان نموده است. هم نشینی واژگانی چون «ولیی» و «مؤدی» به شناخت بیشتر مسئله مقام ولایت و خلافت امیر مؤمنان (ع) کمک می‌کند.

گونه‌ی پنجم: شهادت ۱۲ تن به صدور حدیث غدیر

نسائی در کتاب خصائص امیرالمؤمنین (ع)، حدیث هشتاد و پنج، روایتی به نقل از سعیدبن وهب آورده که در آن، از شهادت ۱۲ تن در خصوص صحت صدور حدیث غدیر از پیامبر (ص) خبر داده است. در آن حدیث، ابی اسحاق می‌گوید که سعیدبن وهب [همدانی] به من گفت؛ شش نفر که نزد من بودم و همچنین شش نفر که نزد زیدبن یثیع بودند قیام کردند و شهادت دادند: «فَشَهِدُوا أَنَّهُمْ سَمِعُوا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَلِإِنِّ عَلِيًّا مَوْلَاهُ» (نسائی، ۱۴۱۹ق، ۱۲۶-۱۲۷).

گونه‌ی ششم: نقل ابن عباس

عمرو بن میمون نقل می‌کند که در نزد ابن عباس بودیم که نه نفر نزد وی آمدند. آن‌ها

به ابن عباس گفتند نزد ما بیایا این که دیگران ما را تنها بگذارند که ابن عباس به آن‌ها گفت من با شما می‌آیم. ابن عباس همراه آنان رفت و ما نمی‌دانیم میان آن‌ها چه گذشت. ابن عباس در حالی که لباس‌های خود را می‌تکاند نزد ما بازگشت و می‌گفت: «أَفِ وَ تَفَّ يَعْتُقُونَ فِي رَجُلٍ لَهُ عَشْرٌ وَقَعُوا فِي رَجُلٍ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ...» (نسائی، ۱۴۱۹ق، ۵۰-۵۴). ابن عباس ضمن انتقاد تند از آن جماعت گفت که آن نه نفر در مورد مردی می‌گویند که پیامبر گرامی اسلام (ص) در حقش گفته است: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةً فَعَلَيْي مَوْلَاةً» (همان). آنچه از نقل ابن عباس علاوه بر اصل ولایت و مسئله غدیر می‌توان استخراج کرد همانا فضائل و امتیازات امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع) است.

۳. گونه‌های حدیث غدیر و فراوانی آن در آثار طبرانی

با بررسی چهل روایات غدیر در آثار طبرانی، ۹ گونه روایت با فراوانی متفاوت استخراج گشت. بریده بن الحصیب الأسلمی، جابر بن عبد الله، جریر بن عبد الله، حبشی بن جناد، حذیفه بن اسید، خالد بن زید أبو ایوب الأنصاری، زید بن أرقم، زید بن ثابت، سعد بن مالک أبو سعید الخدری، عبد الرحمن بن صخر أبوهریره، عبد الله بن عباس، عمّار یاسر، عمرو ذومرّ، عمیره بن سعد، مالک بن الحویرث، زید بن أرقم أبو حذیفه بن اسید، عمرو ذومرّ و زید أرقم، سعید بن وهب و حبه بن جویین و زید بن أرقم، روایان حدیث غدیر در آثار طبرانی را تشکیل می‌دهند (ابن عقده، ۱۴۲۷ق، ۱۷۷). در ادامه نمودار فراوانی گونه‌های حدیث غدیر مستخرج از آثار ابی القاسم سلیمان بن أحمد الطبرانی نمایان می‌شود.

۱-۳. فراوانی گونه‌ها در آثار طبرانی



طبق نمودار یاد شده، در آثار طبرانی، بیشترین گونه‌ی حدیث غدیر مربوط به جملات خبری (۱۳ مورد) است. در رتبه دوم، شهادت گرفتن پیامبر گرامی (ص) از افراد مختلف و در موقعیت‌های متفاوت (۹ مورد) قرار دارد. رتبه سوم به مناشدات امام علی (ع) (۸ مورد) تعلق دارد. جملات خبری-دعائی، گرفتن شهادت و اقرار توسط امام علی (ع)، مناشده فردی از زیدبن‌أرقم، جمله دعائی و بیان شأن نزول آیه ۵۵ سوره مائده و پیوند آن با جمله «مَنْ كُنْتُ...» در حق امام علی (ع) از جهت فراوانی در رتبه‌های بعدی قرار دارد.

۲-۳. بررسی گونه‌های حدیث غدیر در آثار طبرانی

در ادامه به بررسی اجمالی نه گونه‌شناسایی شده حدیث غدیر در آثار سلیمان بن احمد طبرانی پرداخته می‌شود.

گونه‌ی اول: جملات خبری

سیزده گونه از حدیث غدیر در آثار طبرانی، در قالب جملات خبری بیان شده است. در این میان، برخی همانند نقل بریده‌بن‌الحصیب از پیامبر اکرم (ص) تنها بیان عبارت «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةً فَعَلِيٌّ مَوْلَاةً» است (طبرانی، ۱۴۰۳ق، ۱: ۷۱). در حالی که نقل‌های دیگر به تفصیل مسئله غدیر را بیان کرده‌اند. نمونه آن نقل جابر بن عبدالله انصاری است. در این نقل، پیامبر اکرم (ص) حقانیت امامت و خلافت امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب (ع) را در میان حاضرین مورد تبیین قرار داده و این دعا را در حق ایشان بیان فرمودند: «اللَّهُمَّ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةً فَعَلِيٌّ مَوْلَاةً، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاةَ وَ عَادِ مَنْ عَادَاةً» (طبرانی، ۱۴۱۷ق، ۳: ۲۲۲-۲۲۳).

برخی جملات مانند نقل زیدبن‌أرقم با وجود این‌که خبری هستند به نوعی اقرار راوی حدیث را در پی دارد: «لَمَّا رَجَعَ النَّبِيُّ ص مِنْ حَجَّةِ الْوَدَاعِ وَ نَزَلَ غَدِيرَ خُمٍ وَ أَمَرَ بِدُوحَاتٍ فَقُمْتُ ثُمَّ قَامَ فَقَالَ: كَأَنِّي قَدْ دُعِيتُ فَأَجَبْتُ، أَنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ: كِتَابَ اللَّهِ وَ عَثَرْتِي أَهْلَ بَيْتِي، فَانظُرُوا كَيْفَ تَحْلِفُونِي فِيهِمَا، فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ، ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مَوْلَايَ وَ أَنَا وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةً فَهَذَا مَوْلَاةُ اللَّهِ وَ وَالِ مَنْ وَالَاةَ وَ عَادِ مَنْ عَادَاةً فَقُلْتُ لَزَيْدٍ: أَنْتَ سَمِعْتَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَقَالَ: مَا كَانَ فِي الدُّوْحَاتِ أَحَدٌ إِلَّا قَدْ رَأَهُ بِعَيْنِهِ وَ سَمِعَهُ بِأُذُنَيْهِ» (طبرانی، بی‌تا، ۵: ۱۶۶). در نقل فوق

بعد از بیان واقعه غدیر، زیدبن ارقم از دریافت خبر (با چشم و گوش) توسط همه حاضرین در غدیر خم حکایت می‌کند. نسبت و پیوند همیشگی میان قرآن و عترت (ثقلین)، خبر از آینده امت (اختلاف در امر خلافت بلافضل رسول الله) و اتخاذ راهی در مخالفت با پیامبر (ص) که این مسئله موضوعاتی چون؛ مسئله عدالت تمامی صحابه را زیر سؤال می‌برد، معارف قابل استخراج از قالب خبری احادیث غدیر در آثار طبرانی است.

گونه‌ی دوم: اخذ شهادت از مردم توسط پیامبر (ص)

دومین فراوانی در آثار طبرانی به اخذ شهادت پیامبر (ص) اختصاص دارد. در این گونه، غالباً پیامبر (ص) با طرح سؤال، از حاضران شهادت می‌گرفتند. در حدیثی به نقل از جریر بن عبدالله بجلی می‌خوانیم: «أَيُّهَا النَّاسُ بِمَا تَشْهَدُونَ؟ قَالُوا نَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. قَالَ: «ثُمَّ مَه؟» وَقَالُوا أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. قَالَ: «فَمَنْ وَلِيُّكُمْ؟» قَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ مُؤَلَانَا. قَالَ: «مَنْ وَلِيُّكُمْ؟» ثُمَّ ضَرَبَ يَدَهُ عَلَيَّ عَضُدًا عَلَيَّ فَأَقَامَهُ، فَتَنَعَ عَضُدَهُ فَأَخَذَ بِذِرَاعِيهِ فَقَالَ: مَنْ يَكُنْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مُؤَلِيَهُ فَإِنَّ هَذَا مُؤَلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، اللَّهُمَّ مَنْ أَحَبَّهُ مِنَ النَّاسِ فَكُنْ لَهُ حَبِيبًا وَمَنْ أَبْغَضَهُ فَكُنْ لَهُ مُبْغِضًا، اللَّهُمَّ إِنِّي لَا أَحِدًا أَحَدًا أَسْتَوْدِعُهُ فِي الْأَرْضِ بَعْدَ الْعَبْدَيْنِ الصَّالِحَيْنِ غَيْرِكَ فَأَقْضِ فِيهِ بِالْحَسَنِيِّ قَالَ: بِشَرِّ: قُلْتُ مَنْ هَذَيْنِ الْعَبْدَيْنِ الصَّالِحَيْنِ؟ قَالَ لَا أُدْرِي» (طبرانی، بی تا، ۲: ۳۵۷).

حضرت از شهادت کلمه «تهلیل» شروع نموده و بعد از آن به اقرار گرفتن از حاضران، در خصوص پیامبری خود مبادرت ورزیدند. سپس مسأله ولایت خداوند و رسولش را جهت شنیدن اقرار و شهادت بیان و در نهایت مسأله ولایت و جانشینی حضرت علی (ع) را مطرح نمودند. در نقلی دیگر، توسط حذیفه بن أسید غفاری مسأله نزدیکی رحلتشان را مطرح و در گام بعدی، مسئولیت خطیرشان در سرنوشت امت و مسئولیت متقابل امت را گوشزد نمودند. در ادامه حضرت فرمودند: «أَلَيْسَ تَشْهَدُونَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَنَّ جَنَّتَهُ وَحَقَّ نَارِهِ حَقًّا، وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقًّا، وَأَنَّ الْبُعْثَ بَعْدَ الْمَوْتِ حَقًّا وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا، وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ؟ قَالُوا بَلَى، تَشْهَدُ بِذَلِكَ. قَالَ: اللَّهُمَّ اشْهَدْ، ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ مُؤَلَايَ وَأَنَا مُؤَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَأَنَا أُولِي بِهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ...» (همان، ۳: ۱۸۰).

در حدیث فوق، حضرت اصول دین؛ توحید، نبوت و معاد را در قالب استشهاد گرفتن مطرح نمودند و در نهایت به مسأله ولایت امام علی (ع) با جمله «فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَهَذَا مَوْلَاً - يَعْنِي عَلِيًّا» و دعای «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاةَ وَ عَادِ مَنْ عَادَاةَ» خاتمه دادند. در نقلی از زیدبن أرقم، پیامبر (ص) در یوم الجحفه اصول توحید، معاد تا امامت را طرح نموده، و ضمن تبیین مسئله ولایت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع)، از حاضران شهادت گرفت. پیامبر (ص) در این گونه از حدیث غدیر به «ثقلین» اشاره نمودند: «فَأَنْظُرُوا كَيْفَ تَخْلَفُونِي فِي الثَّقَلَيْنِ، فَسَادِي مُنَادٍ: وَمِنَ الثَّقَلَيْنِ بَا رَسُولَ اللَّهِ (ص)؟ قَالَ: كِتَابُ اللَّهِ طَرَفٌ بِيَدِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ طَرَفٌ بِأَيْدِيكُمْ، فَاسْتَمْسِكُوا بِهِ لَا تَضَلُّوا، وَ الْآخِرُ عَثْرَتِي؛ وَإِنَّ اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ تَبَّأَنِي أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ، وَ سَأَلْتُ ذَلِكَ لَهُمَا رَبِّي، فَلَا تَقْدُمُوهُمَا فَتَهْلِكُوا، وَ لَا تَقْصُرُوا عَنْهُمَا فَتَهْلِكُوا، وَ لَا تَعْلَمُوهُمُ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ، ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ فَقَالَ: مَنْ كُنْتُ أُولِي بِهِ مِنْ نَفْسِي فَعَلِيٌّ وَ لِيَّةٌ...» (همان، ۵: ۱۶۶).

حضرت به عدم جدائی قرآن و عترت تذکر داده و در نهایت مسأله ولایت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع) را با جمله دعائی «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاةَ وَ عَادِ مَنْ عَادَاةَ» به پایان می‌برد.

گونه‌ی سوم. مناشدات امام علی (ع)

سومین فراوانی در آثار طبرانی به مناشدات امام علی (ع) تعلق دارد. در مناشدَه از صیغه فَسَمِ استفاده می‌شود (ر.ک: دیباری و همکاران، ۱۴۰۰ش، ۱۳۷). برای نمونه و به نقل از زیدبن أرقم می‌خوانیم: «نَشَدَ عَلِيٌّ (ع) النَّاسَ: أَنْشَدُ اللَّهَ رَجُلًا سَمِعَ النَّبِيَّ (ص) يَقُولُ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلِيٌّ مَوْلَاً، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاةَ وَ عَادِ مَنْ عَادَاةَ فَقَامَ اثْنَا عَشَرَ بَدْرِيًّا فَشَهِدُوا بِذَلِكَ؛ قَالَ زَيْدٌ: كُنْتُ أَنَا فِيمَنْ كَتَمَ فَذَهَبَ بَصْرِي» (طبرانی، بی تا، ۵: ۱۷۵). در این مناشده، دوازده نفر شهادت دادند که فرموده پیامبر اکرم (ص) «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً...» را شنیده‌اند. در این میان، زیدبن أرقم، به کتمان این حقیقت و فقدان بینایی اش اذعان می‌کند (همان، ۱۷۱).

در گونه‌ای دیگر و به نقل از عمیره بن سعد الهمدانی، ضمن بیان مناشده امام علی (ع)، به ذکر اسامی چند تن از حاضران می‌پردازد که به مناشده حضرت پاسخ داده‌اند. چنان‌که آمده است: «مَنْ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ يَقُولُ مَا قَالَ فَيَشْهَدُ. فَقَامَ اثْنَا عَشَرَ رَجُلًا مِنْهُمْ: أَبُو سَعِيدٍ وَ أَبُو هُرَيْرَةَ وَ أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ، فَشَهِدُوا أَنَّهُمْ سَمِعُوا

رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةً فَعَلَيْي مَوْلَاةُ اللَّهِ وَالِ مَنْ وَالَاةَ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ» (طبرانی، ۱۴۰۵ق، ۳: ۱۳۳؛ همو، ۱۴۰۳ق، ۱: ۶۴). ابوسعید، ابوهریره و انس بن مالک از کسانی بودند که به مناشده حضرت شهادت دادند. از معارف دیگر مستخرج از گونه مناشده (علی رغم مسئله محوری غدیر و ولایت) می توان به؛ اعجاز و پیامدهای مخالفت با حقانیت ولایت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع) که نمونه آن، کتمان زید بن ارقم و فقدان بینایی وی بر اثر این پنهان کاری، اشاره نمود.

گونه‌ی چهارم: جملات خبری - دعائی

جملات خبری - دعائی با سه فراوانی، در رتبه چهارم قرار گرفت. تفکیک این جملات از جملات خبری، به این جهت است که این گونه از نقل حدیث غدیر به صورت کوتاه و همچنین به صورت مشابه و از دو قسمت خبری و جمله دعائی بیان شده است. نیز معیار جداسازی گونه خبری - دعائی از دعائی، شروع جملات دعائی با کلماتی نظیر؛ «اللَّهُمَّ» است که جملات خبری - دعائی این گونه نیست. دو روایت بدین شکل بیان شده‌اند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةً فَعَلَيْي مَوْلَاةُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاةَ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ» (طبرانی، بی تا، ۵: ۱۷۰) نقل دیگر خبری - دعائی علاوه بر عبارت فوق جمله «وَأَنْصُرُ مَنْ نَصَرَهُ وَ أَعِينُ مَنْ أَعَانَهُ» را شامل شده است (همان، ۱۹۲).

گونه‌ی پنجم: جملات دعائی

یک روایت از دو گونه جملات دعائی در آثار طبرانی چنین آمده است: «اللَّهُمَّ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةً فَعَلَيْي مَوْلَاةُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاةَ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ» (طبرانی، بی تا، ۵: ۲۰۴). جمله دعائی دیگر علاوه بر متن فوق، جمله «وَأَنْصُرُ مَنْ نَصَرَهُ وَ أَعِينُ مَنْ أَعَانَهُ» را نیز دربر دارد (همان، ۴: ۱۶). بیان حقیقت ولایت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع)، توسط پیامبر اکرم (ص) در قالب دعا، قابل تأمل است.

گونه‌ی ششم: اخذ شهادت از مردم توسط امام علی (ع)

دو مورد از گونه‌های حدیث غدیر در آثار طبرانی، به اخذ شهادت از مردم توسط امام علی (ع) اختصاص دارد. در هر دو حدیث، به دو طریق، به راوی واحد اسناد داده شده است. در گونه اول آمده است: «حَدَّثَنَا عُثَيْدُ بْنُ غَنَامٍ، حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ / ح وَ حَدَّثَنَا الْحَسَنِ بْنُ إِسْحَاقَ التَّسْتَرِي، حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ؛

قَالَ: حَدَّثَنَا شَرِيكٌ، عَنْ حَنْشِ بْنِ الْحَارِثِ، عَنْ رِيَّاحِ بْنِ الْحَارِثِ قَالَ: بَيْنَا عَلِيٌّ ع عَنْهُ جَالِسٌ فِي الرَّحْبِ إِذْ جَاءَ رَجُلٌ وَعَلَيْهِ أَثَرُ السَّفَرِ، فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ فَقِيلَ مَنْ هَذَا؟ قَالَ: أَبُو أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيُّ. فَقَالَ إمام عَلِيٌّ (ع) سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ» (طبرانی، بی‌تا، ۴: ۱۷۳).

در حدیث فوق، امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع)، از ابویوب انصاری در خصوص فرموده پیامبر (ص) شهادت گرفته است. در حدیث دوم، دو طریق به ریحان بن الحارث منتهی می‌شود: «كُنَّا قُعُودًا مَعَ عَلِيٍّ (ع)، فَجَاءَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ عَلَيْهِمُ الْعَمَائِمُ، فَقَالُوا: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَانَا فَقَالَ عَلِيٌّ (ع): أَنَا مَوْلَاكُمْ وَأَنْتُمْ قَوْمٌ عَرَبٌ؟ قَالُوا: نَعَمْ. سَمِعْنَا النَّبِيَّ ص يَقُولُ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، وَاللَّهِمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَهَذَا أَبُو أَيُّوبَ فِينَا، فَحَسَرَ أَبُو أَيُّوبَ الْعِمَامَةَ عَنْ وَجْهِهِ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، وَاللَّهِمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ» (همان، ۱۷۳). در این حدیث، گروهی سواره به حضرت امام علی (ع) می‌رسند و هنگام سلام، ایشان را با عبارت «يَا مَوْلَانَا» می‌خوانند. حضرت از این کلمه راهبردی، استفاده کرده و در خصوص ولایت‌اش، از آن‌ها اقرار می‌گیرند. در میان آن‌ها، ابویوب انصاری به فرموده پیامبر اکرم (ص) اقرار نمود. آنچه در این‌گونه حدیث قابل استفاده است این‌که امیرمؤمنان (ع) از هر فرصت، مکان و زمانی برای تبیین مسئله غدیر و ولایت بهره بردند که نمونه آن تمرکز بر واژگان کلیدی چون: «مَوْلَانَا» و بار معنایی و لوازم آن است.^۱

گونه‌ی هفتم: نقل ابن عباس

عمرو بن میمون نقل می‌کند؛ در نزد ابن عباس بودیم که هفت نفر نزد وی آمدند در حالی که ابن عباس بینایی خود را از دست نداده بود. آن‌ها به ابن عباس گفتند نزد ما بیا و یا دیگران ما را تنها بگذارند. ابن عباس به آن‌ها گفت من با شما می‌آیم. ابن عباس همراه آنان رفت و ما نمی‌دانیم میان آن‌ها چه گذشت. ابن عباس در حالی که لباس‌های خود را می‌تکاند نزد ما بازگشت و گفت: «أَفِّ أَفِّ، وَقَعُوا فِي رَجُلٍ قِيلَ فِيهِ مَا أَقُولُ لَكُمْ الْآنَ، وَقَعُوا فِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَقَدْ قَالَ نَبِيِّ (ص) ... إِلَيَّ أَنْ قَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ...» (طبرانی، بی‌تا، ۱۲: ۷۷-۷۸). ابن عباس ضمن انتقاد از آن گروه خاطر نشان می‌کند که آنان در مورد مردی می‌گویند که پیامبر (ص) در حقیقت گفته است:

۱. امروزه مسئله واژه‌شناسی و اصطلاح‌شناسی مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. برای نمونه می‌توان به ترمینولوژی یا همان علم اصطلاح‌شناسی اشاره نمود. «ولی و مولا» را می‌توان از اصطلاحات فنی در ترمینولوژی امامت عنوان کرد و از گونه‌های احادیث غدیر چنین واژه‌های فنی را استخراج نمود.

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةً فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ» و بدین گونه ابن عباس به ولایت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع)، شهادت می دهد. پیش تر امکان استخراج برخی فضائل امیر مؤمنان (ع) از این گونه حدیث غدیر بیان گشت.

گونه‌ی هشتم: حدیث غدیر و شأن نزول آیه ۵۵ سوره مائده

یک گونه از گونه‌های حدیث غدیر در معجم الأوسط طبرانی، نقلی از عمار بن یاسر، ویژه شأن نزول آیه ۵۵ سوره مائده است. بعد از نزول آیه بر قلب پیامبر گرامی اسلام (ص)، حضرت فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةً فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ» (طبرانی، ۱۴۰۵، ۱: ۷، ۱۲۹). در این گونه، پیوندی بین شأن نزول آیه ۵۵ سوره مائده - که به گزارش بسیاری از تفاسیر در حق حضرت علی (ع) نازل شده (ر.ک: ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ۴: ۱۱۶۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۱: ۶۴۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ۱۲: ۳۸۳؛ قرطبی، ۱۳۸۴، ۶: ۲۲۱) و ولایت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع)، در واقعه غدیر مشاهده می شود. آنچه می توان از گونه فوق استفاده نمود؛ بهره گیری به عنوان روایت تفسیری، ارتباط تنگاتنگ آیات و روایات و همچنین فضائل امیر مؤمنان (ع) است.

گونه‌ی نهم: مناشده مردی از زید بن أرقم

ابی عبدالله شیبانی می گوید؛ در حالی که در مجلسی نزد زید بن أرقم نشسته بودم، مردی سواره از «مراد» نزدیک ما آمد و سلام کرد. سواره گفت: آیا در این مجلس، زید حضور دارد؟ حاضرین گفتند: بله این شخص، زید است. پس گفت: «أَنْتُمْ بِاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يَا زَيْدًا، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ لِعَلِيِّ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةً فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ (وَلَاةً) وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ؟» (طبرانی، بی تا، ۵: ۱۹۳). در آن لحظه، زید بن أرقم پاسخ می دهد: «نَعَمْ» و بعد از تأیید زید، آن شخص مجلس را ترک می کند.

۴. بررسی تطبیقی گونه‌های حدیث غدیر در آثار نسائی و طبرانی

از استخراج و گونه شناسی احادیث غدیر در آثار نسائی و طبرانی، وجوه اختلاف و اشتراک قابل تأملی به دست آمد که در ادامه به برخی از آن ها به صورت مختصر خواهیم پرداخت. مناشدات امام علی (ع)، اخذ شهادت توسط پیامبر (ص)، گونه های خبری و بازگویی حدیث غدیر توسط ابن عباس در مواجهه با گروه هفت یا نه نفره از وجوه

۱. «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُتِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ ذَاكِرُونَ» (المائدة: ۵۵).

اشتراک گونه‌ها در آثار نسائی و طبرانی است. در آثار نسائی یک گونه، شناسایی شد که در آثار طبرانی با وجود تنوع گونه‌ها یافت نشد و آن، شهادت گروهی، نسبت به صحت صدور حدیث غدیر از جانب پیامبر گرامی اسلام (ص) در حق امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع) است (ر.ک: نسائی، ۱۴۱۹ق، ۱۲۶-۱۲۷). گونه‌های متمایز در آثار طبرانی عبارتند از؛ خبری-دعائی، دعائی، اخذ شهادت از مردم توسط امام علی (ع)، بیان شأن نزول آیه ۵۵ سوره مائده و پیوند آن با حدیث غدیر و مناشده مردی از زیدبن ارقم.

۴-۱. مناشدات امام علی (ع)

مناشدات امام علی (ع) در آثار نسائی با هفت فراوانی، بیشتر مربوط به نقل سعیدبن وهب همدانی (۳ مورد) است در حالی که در آثار طبرانی، مناشدات امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع)، هشت مورد را از نظر فراوانی به خود اختصاص داده، بیشتر نقل زیدبن ارقم (۴ مورد) و عمیره بن سعد همدانی (۳ مورد) است. سعیدبن وهب، عمرو بن ذی مَرّ و عمیره بن سعد همدانی، روایان مشترک مناشدات در آثار نسائی و طبرانی است. در معجم کبیر طبرانی، نقل سعیدبن وهب همدانی در دسته‌ای از نقل قرار می‌گیرد که ابن عقده، آن را اختلاف و اشتراک در نقل دو نفر یا بیشتر^۱ بیان کرده است. سلسله روایان بدین شکل است: «حَدَّثَنَا أَبُو رَاهِمٍ بْنُ نَائِلَةَ الْأَصْبَهَانِي، حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَمْرٍو الْبَجَلِيُّ، حَدَّثَنَا عَمْرٍو بْنُ ثَابِتٍ، عَنْ أَبِي اسْحَاقٍ، عَنْ هُبَيْرِ بْنِ يَرِيمٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ وَهَبٍ [الْهَمْدَانِيِّ] وَ حَبِّه [بْنِ جُوَيْنٍ] [الْعُرْنِيِّ] وَ زَيْدُ بْنُ أَرْقَمٍ» (ابن عقده، ۱۴۲۷ق، ۲۱۱). بر اساس سلسله فوق، سعیدبن وهب با حَبِّه بن جوین و زیدبن ارقم، در نقل اختلاف و اشتراک دارند. تک نقل سعیدبن وهب در معجم کبیر طبرانی، هم از نظر سلسله روایان و هم متن حدیث، تطابقی با سه نقل موجود در آثار نسائی ندارد. عمرو بن ذی مَرّ نیز که تک نقل در آثار نسائی و طبرانی آمده، به یک شکل بیان نشده است. عمیره بن سعد همدانی در طبرانی، سه نقل و در نسائی یک نقل، از گونه مناشدات را روایت کرده است. نسائی در کتاب خصائص و به نقل از عمیره بن سعد، مناشده را این گونه مطرح می‌کند: «... عُمَيْرَةُ بِنِ سَعْدِ (الْهَمْدَانِيِّ): أَنَّهُ سَمِعَ عَلِيًّا وَهُوَ يُشَدُّ فِي الرَّحْبَةِ: مَنْ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةً فَعَلِيٌّ مَوْلَاةً فَقَامَ بَعْضُهُ عَشْرًا فَشَهِدُوا» (نسائی، ۱۴۱۹ق، ۱۲۱-۱۲۲). در این مناشده، صیغه‌ای از «أَنْشَدُكُمْ اللَّهَ وَ...» مشاهده نمی‌شود. هرچند نگارندگان، آن را با توجه به گزارش عمیره در گروه مناشدات امام علی (ع) جای دادند. در سه نقل

۱. «مَا اخْتَلَفَ أَوْ اشْتَرَكَ فِي تَقْلِيهِ إِثْنَانٍ أَوْ أَكْثَرُ» (ر.ک: ابن عقده، ۱۴۲۷ق، ۲۰۷).

عمیره بن سعد، از سه مناشده تنها در یک مناشده، صیغه؛ «أَشْهَدُ أَلَّهَ رَجُلًا» دیده شد (ر.ک: طبرانی، ۱۴۰۵ق، ۷: ۴۴۸) اما عمیره، در دو نقل دیگر عبارت‌های «شَهِدْتُ عَلِيًّا عَلَيَّ الْمَنْبَرِ نَاشِدًا إِصْحَابَ رَسُولِ اللَّهِ (ص)» (ر.ک: طبرانی، ۱۴۰۵ق، ۳: ۱۳۳؛ همو، ۱۴۰۳ق، ۱: ۶۴) و «سَمِعْتُ عَلِيًّا يَشْهَدُ النَّاسَ» (ر.ک: طبرانی، ۱۴۰۵ق، ۳: ۶۹) را به کار برده است.

۴-۲. اخذ شهادت از مردم توسط پیامبر (ص)

پنج نقل با گونه اخذ شهادت و اقرار از مردم، توسط پیامبر اکرم (ص) در مسأله ولایت امیر مؤمنان (ع) در آثار نسائی مشاهده شد. چهار نقل، در قالب جملات سؤالی نظیر: «أَلَسْتُ أَوْلِي بِكُمْ مِنْ»، «أَلَسْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنِّي أَوْلِي بِكُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ نَفْسِهِ؟»، «أَيُّهَا النَّاسُ هَلْ بَلَّغْتُمْ؟ قَالُوا: نَعَمْ، قَالَ «اللَّهُمَّ إِشْهَدْ» - ثلاث مَرَّاتٍ يَقُولُهَا - ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ وَلِيَّتِكُمْ؟» مطرح شد و تنها یک مورد به نقل از سعد ابن ابی وقاص الزهری این گونه آمده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) خَطَبَ النَّاسَ فَقَالَ: أَمَّا بَعْدُ - أَيُّهَا النَّاسُ - أَنِّي وَلِيَّتِكُمْ، صَدَقْتُ، ثُمَّ أَخَذَ يَدَ عَلِيٍّ فَرَفَعَهَا، ثُمَّ قَالَ: هَذَا وَلِيِّي وَ الْمُوَدِّي عَنِّي، وَالِ اللَّهِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادَ مَنْ عَادَاهُ» (نسائی، ۱۴۱۹ق، ۱۳۷) که بعد از این که پیامبر (ص)، مسأله ولایتش را بر آن‌ها بازگو کردند، مخاطبان، ایشان را با واژه «صَدَقْتُ» تصدیق می‌کنند.

در آثار طبرانی، ۹ حدیث استخراج شد که در آن پیامبر (ص) در مناسبت‌های مختلف از مردم در خصوص ولایت خدا، رسولش و در نهایت ولایت امیر مؤمنان (ع) شهادت و اقرار گرفته است. در همه نقل‌های طبرانی، پیامبر (ص) با مقدمه یا بدون مقدمه، با طرح سؤالاتی نظیر: «أَيُّهَا النَّاسُ بِمَا تَشْهَدُونَ؟ قَالُوا نَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ...» (طبرانی، بی تا، ۲: ۳۵۷)، «أَلَيْسَ تَشْهَدُونَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ...» (همان، ۳: ۱۸۰) و «يَا أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ أَوْلِي بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟» (همان، ۵: ۱۷۱) از حاضران و مخاطبان شهادت اخذ می‌نمودند.

۴-۳. جملات خبری

در گونه‌شناسی حدیث غدیر در آثار نسائی، پنج حدیث در گروه جملات خبری جای گرفت. دو حدیث از آن‌ها به نقل از بریده بن الحصیب به داستانی اشاره دارد که به دستور پیامبر (ص)، گروهی به رهبری امام علی (ع) به نقطه‌ای، رهسپار می‌شود. در این میان، بریده حضور داشت. در نقل اول بریده از خشونت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع)، در سفر به پیامبر (ص) شکایت می‌کند که حضرت به

بریده فرمود: «يَا بُرَيْدَةَ! مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلِيٌّ مَوْلَاً» (نسائی، ۱۴۱۹ق، ۱۱۸-۱۱۹) که از لزوم پذیرش ولایت بی‌چون و چرای امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع) همانند پیامبر (ص) حکایت می‌کند. در نقل دوم، پیامبر (ص) از هم‌سفری امام علی (ع) از آن‌ها پی‌جویی کرده و در نهایت فرمود: «مَنْ كُنْتُ وَلِيًّا فَعَلِيٌّ وَلِيًّا» (همان، ۱۱۶-۱۱۸). در نقلی از سعد ابن ابی وقاص زهری، تنها فرموده معروف پیامبر (ص): «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلِيٌّ مَوْلَاً» بیان شده است (همان، ۱۲۰).

در نقل دیگری از سعد ابن ابی وقاص الزهری آمده است که وی در مجلسی نشسته بود که در آن به امام علی (ع) بدگویی شد که وی به آن‌ها گفت: «قُلْتُ لَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) لَهُ ثَلَاثَةٌ لَأَنْ تَكُونَ لِي وَاحِدٌ مِنْهُنَّ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ إِلَيَّ» ان قال: وسمعتُه يَقُولُ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلِيٌّ مَوْلَاً» (همان، ۳۵): برای علی (ع) سه خصلت است که اگر یکی از آنها برای من باشد از شتران سرخ مو برای من بهتر است. آخرین حدیث نسائی در قالب جمله خبری از جامعیتی قابل تأمل برخوردار است که در آن به نقل از زیدبن أرقم ماجرای غدیر با جزئیاتی نظیر: «خبر از رحلت پیامبر (ص)»، «ثقلین؛ معرفی، اهمیت و نسبت آن‌ها با یکدیگر»، «ولایت خدا، ولایت رسول خدا، اعلام ولایت جانشین رسول خدا- حضرت علی (ع)» و «دعای؛ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادَ مَنْ عَادَاهُ» مطرح شده است (ر.ک: نسائی، ۱۴۱۹ق، ۱۱۲؛ همو، ۱۴۱۱ق، ۵: ۴۵).

در آثار طبرانی، ۱۳ حدیث در قالب جملات خبری استخراج شد که بالاترین فراوانی را از نظر گونه‌شناسی به خود اختصاص داده است. اما در مقام مقایسه، ابتدا به نقل بریده بن الحصیب اشاره می‌شود. برخلاف دو نقل بریده در آثار نسائی که ماجرائی را بازگو کرده، نقل بریده در طبرانی، تنها عبارت پیامبر اکرم (ص): «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلِيٌّ مَوْلَاً» را نقل کرده است (ر.ک: طبرانی، ۱۴۰۳ق، ۱: ۷۱؛ همو، ۱۴۰۵ق، ۱: ۲۲۹).

در آثار نسائی، یک مورد از جملات خبری به نقل از زیدبن أرقم (به صورت جمله خبری جامع) گزارش شد در حالی که در آثار طبرانی، پنج مورد مشاهده شد که یک مورد آن، اختلاف یا اشتراک در نقل ما بین زیدبن أرقم و حذیفه بن أسید است (ر.ک: طبرانی، بی‌تا، ۳: ۱۷۹). چهار مورد نقل زیدبن أرقم در آثار طبرانی، تنها به عبارت «مَنْ كُنْتُ وَلِيًّا فَعَلِيٌّ وَلِيًّا» و مشابه آن اشاره و فقط در یک نقل به تفصیل حدیث غدیر از نقطه غدیر خم گزارش شده است. بنابراین نوعی مشابهت در تک نقل زیدبن أرقم در آثار نسائی با روایت زیدبن أرقم در معجم الکبیر طبرانی دیده می‌شود. برای مقایسه بهتر، جدول ذیل ارائه می‌شود.

روایت زیدبن ارقم در آثار طبرانی	روایت زیدبن ارقم در آثار نسائی
<p>«كَانَتِي قَدْ دُعِيتُ فَأَجَبْتُ، أَنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَيْنِ أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخِرِ: كِتَابَ اللَّهِ وَعَثَرَتِي أَهْلَ بَيْتِي، فَأَنْظَرُوا كَيْفَ تَخْلَفُونِي فِيهِمَا، فَإِنَّهُمَا لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ مَوْلَايَ وَأَنَا وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ فَقَالَ مَنْ كُنْتُ وَلِيَّهُ فَهَذَا وَلِيُّهُ وَاللَّهِمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ مَنْ كُنْتُ وَلِيَّهُ فَهَذَا وَلِيُّهُ وَاللَّهِمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ فَقُلْتُ لَزَيْدٍ: أَنْتَ سَمِعْتَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص)؟ فَقَالَ: مَا كَانَ فِي الدُّوْحَاتِ أَحَدٌ إِلَّا قَدْ رَأَهُ بِعَيْنَيْهِ وَسَمِعَهُ بِأَذْنَيْهِ» (طبرانی، بی تا، ۵: ۱۶۶).</p>	<p>«كَانَتِي قَدْ دُعِيتُ فَأَجَبْتُ إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخِرِ كِتَابَ اللَّهِ وَعَثَرَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَأَنْظَرُوا كَيْفَ تَخْلَفُونِي فِيهِمَا فَإِنَّهُمَا لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مَوْلَايَ وَأَنَا وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ فَقَالَ مَنْ كُنْتُ وَلِيَّهُ فَهَذَا وَلِيُّهُ وَاللَّهِمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ مَنْ كُنْتُ وَلِيَّهُ فَهَذَا وَلِيُّهُ وَاللَّهِمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ فَقُلْتُ لَزَيْدٍ سَمِعْتَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص)؟ قَالَ [زَيْدُ بْنُ أَرْقَمٍ] مَا كَانَ فِي الدُّوْحَاتِ رَجُلٌ إِلَّا رَأَاهُ بِعَيْنَيْهِ وَسَمِعَ بِأَذْنَيْهِ» (نسائی، ۱۴۱۹ق، ۱۱۲؛ همو، ۱۴۱۱ق، ۵: ۴۵).</p>

از جمله نکات مهم، در حدیث فوق، این که از زیدبن ارقم سؤال می شود که آیا تو این گفتار را از رسول خدا (ص) شنیدی؟ وی پاسخ می دهد که همه آنان که در آن مکان بودند با چشمان خود دیده و با گوش های خود شنیده اند که می تواند دلیل و حجتی برای شبهه افکنان و معاندان باشد.

۴-۴. نقل ابن عباس

یکی از موارد تک نقل و مشترک حدیث غدیر در آثار نسائی و طبرانی، ماجرای گروه هفت نفره یا نه نفره و ابن عباس است. در هر دو حدیث راوی از ابن عباس، عمرو بن میمون است، هر چند در سلسله راویان، تفاوت هایی وجود دارد. برای مقایسه از جدول ذیل استفاده می شود.

نقل ابن عباس در آثار طبرانی	نقل ابن عباس در آثار نسائی
<p>«حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ الْبَغَوِيُّ، حَدَّثَنَا كَثِيرُ بْنُ يَحْيَى، حَدَّثَنَا أَبُو عَوَانَةَ، عَنْ أَبِي بَلَجٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ مَيْمُونٍ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ ابْنِ عَبَّاسٍ [ابْنِ عَبَّاسِ الْهَاشِمِيِّ] فَجَاءَهُ سَبْعُهُ نَفَرًا وَهُوَ يَوْمَئِذٍ صَاحِحٌ قَبْلَ أَنْ يُعْمِيَ، فَقَالُوا: يَا بْنَ عَبَّاسٍ فَمَنْ مَعَنَا أَوْ قَالُوا اخْلُؤْ يَا هَؤُلَاءِ. قَالَ: بَلْ أَقَوْمٌ مَعَكُمْ، فَقَامَ مَعَهُمْ فَمَا نَدَرِي مَا قَالُوا، فَرَجَعَ يَنْفُضُ ثَوْبَهُ وَيَقُولُ: أَفَّ أَفَّ وَقَعُوا فِي رَجُلٍ قِيلَ فِيهِ مَا أَقُولُ لَكُمْ الْآنَ، وَقَعُوا فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَقَدْ قَالَ نَبِيُّ (ص) ... إِلَيَّ أَنْ قَالَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ» (طبرانی، بی‌تا، ۱۲: ۷۷-۷۸).</p>	<p>«اخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى قَالَ: حَدَّثَنَا يُحْيَى بْنُ حَمَّادٍ قَالَ: حَدَّثَنَا الْوَضَّاحُ -وهو أبو عوانة- قَالَ: حَدَّثَنِي يُحْيَى [أَبُو بَلَجٍ] قَالَ: حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ مَيْمُونٍ قَالَ: أَنِّي لَجَالِسُ إِلَى ابْنِ عَبَّاسٍ [عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسِ الْهَاشِمِيِّ] إِذْ آتَاهُ سَبْعُهُ رَهْطٌ فَقَالُوا: إِمَّا أَنْ تَقُومَ مَعَنَا وَإِمَّا أَنْ تَخْلُونَا يَا هَؤُلَاءِ. وَهُوَ يَوْمَئِذٍ صَاحِحٌ قَبْلَ أَنْ يُعْمِيَ، قَالَ: أَنَا أَقَوْمٌ مَعَكُمْ. فَاتْتَدَّوْا فَتَحَدَّثُوا، فَلَا أَدْرِي مَا قَالُوا، فَجَاءَ وَهُوَ يَنْفُضُ ثَوْبَهُ وَهُوَ يَقُولُ: أَفَّ وَتَفَّ يَعْتَمُونَ فِي رَجُلٍ لَهُ عَشْرٌ وَقَعُوا فِي رَجُلٍ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِلَيَّ أَنْ قَالُوا قَالَ مَنْ كُنْتُ وَلِيَّهُ فَعَلِيٌّ وَلِيَّهُ» (نسائی، ۱۴۱۹ق، ۵۰-۵۴؛ همو، ۱۴۱۱ق، ۵: ۱۷۹).</p>

راوی اول در آثار نسائی، محمد ابن المثنی، حال آن‌که ابراهیم بن هاشم البغوی اولین راوی سلسله حدیث در المعجم الکبیر طبرانی است. دومین نفر، یحیی بن حمّاد در دو اثر، مشترک است. سومین راوی، ابو عوانه که در نسائی به اسم الوضّاح آمده است. چهارمین راوی، ابی بلج که با نام یحیی در آثار نسائی آمده است. در نهایت عمرو بن میمون به صورت مشترک از ابن عباس گزارشی را نقل کرده است. در آثار نسائی، تعداد افرار گروه، نه نفر بیان شده؛ در حالی که در معجم کبیر طبرانی تعداد آن‌ها هفت نفر است. در آثار نسائی، ده ویژگی به امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع) از جانب پیامبر (ص) اختصاص دارد. همچنین در آثار نسائی، عبارت؛ «مَنْ كُنْتُ وَلِيَّهُ فَعَلِيٌّ وَلِيَّهُ» (نسائی، ۱۴۱۹ق، ۵۰-۵۴؛ همو، ۱۴۱۱ق، ۵: ۱۷۹) با طبرانی «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ» (طبرانی، بی‌تا، ۱۲: ۷۷-۷۸) اندک تفاوتی دارد. مقایسه بین گونه‌های مشترک احادیث، این فرصت را برای کشف حقایق غدیریه از جهت سلسله سند، محتوا و ... فراهم می‌آورد.

۵. نتیجه‌گیری

۱- احادیث غدیر در آثار نسائی و طبرانی بر اساس جدول تحلیل محتوا، گونه‌شناسی و تعیین فراوانی و وجوه اختلاف و اشتراک آن‌ها استخراج شد.

۲- بیست روایت حدیث غدیر در آثار نسائی، در ۶ گونه دسته بندی شد که به ترتیب فراوانی عبارتند از: مناشدات امام علی (ع) با ۷ مورد، جملات خبری با ۶ مورد، جملات سؤالی پیامبر (ص) جهت اخذ شهادت در ۴ مورد، اخذ شهادت توسط پیامبر (ص) از مردم در قالبی غیر سؤالی، شهادت گروهی از مردم و روایت ابن عباس با فراوانی ۱ مورد.

۳- روایت حدیث غدیر در آثار طبرانی، در ۹ گونه دسته بندی شد. جملات خبری با ۱۳ مورد فراوانی، اخذ شهادت توسط پیامبر (ص) در ۹ مورد، مناشدات امام علی (ع) در ۸ مورد، جملات خبری-دعائی با ۳ مورد، جملات دعائی در ۲ مورد، اخذ شهادت توسط امام علی (ع) در ۲ مورد، روایت ابن عباس، شأن نزول آیه ۵۵ سوره مائده و مناشده از زیدبن‌أرقم هر کدام یک مورد گونه‌های حدیث غدیر در آثار طبرانی را تشکیل داده است.

۴- گونه متمایز در آثار نسائی، شهادت گروهی از مردم در خصوص صحت صدور فرموده پیامبر (ص) در حق حضرت علی (ع) است. در آثار طبرانی، گونه‌های خبری-دعائی، دعائی، اخذ شهادت از مردم توسط امام علی (ع)، مناشده مردی از زیدبن‌أرقم و گزارش شأن نزول آیه ۵۵ سوره مائده نسبت به گونه‌های حدیث غدیر در آثار نسائی متمایز بود.

۵- مناشدات امام علی (ع) از گونه‌های مشترک در آثار نسائی (با ۷ مورد فراوانی) و طبرانی (با ۸ مورد فراوانی) است. تمایزاتی در مناشدات امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع) در دو آثار دیده می‌شود. برای مثال بیشترین نقل در نسائی، به سعیدبن وهب همدانی (۳ مورد)، اما در آثار طبرانی، به نقل‌های زیدبن‌أرقم (۴ مورد) و عمیره بن سعد همدانی (۳ مورد) تعلق دارد.

۶- در سایر گونه‌های مشترک نظیر اخذ شهادت پیامبر (ص) از مردم، جملات خبری و ... ضمن وجود اشتراکات، اختلاف‌هایی یافت شد. اخذ شهادت در آثار نسائی یک مورد بدون طرح سؤال، اما در آثار طبرانی، همگی با جملات سؤالی (در مقدمه، میانه و یا پایان حدیث) مشاهده شد. از گونه‌های مشترک بین آثار نسائی و طبرانی، روایت ابن عباس که هم از جهت سند و متن از هم‌خوانی بالایی برخوردار است.

۷- فضائل امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع)، مقام امامت و ولایت، پیوند قرآن و

عترت و نسبت آن دو (ثقلین)، پاسخ به شبهات امامت و ولایت و ... از معارف قابل استخراج از گونه‌های احادیث غدیر که کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن‌ابی‌حاتم، عبدالرحمن بن محمد بن إدريس، تفسیر القرآن العظیم لابن‌ابی‌حاتم، عربستان، مکتبه نزار مصطفی‌الباز، چاپ سوم، ۱۴۱۹ق.
- ابن‌عبد‌الوهاب، محمد، الرد علی‌الرافضه، تحقیق: محمد مال‌الله، بی‌جا، بی‌نا، ۱۴۲۲ق.
- ابن‌عقده، احمد بن محمد، حدیث‌الولایه و من روی‌ غدیر خم من الصحابه و تلیه ثلاث رسائل مفرده لجمع طرق حدیث‌الغدیر، تحقیق: امیر تقدمی معصومی، قم، دلیل‌ما، ۱۴۲۷ق.
- امینی‌نجفی، عبدالحسین،‌الغدیر فی‌الکتاب و السنه و الأدب، قم، مرکز‌الغدیر للدراسات‌الاسلامیه، ۱۴۱۶ق.
- باقرزاده، عبدالرحمن، و زینب‌السادات حسینی. "یوم‌الرحبه و تحلیل‌مواجهه‌شاهدان‌غدیرخم‌با آن". پژوهشنامه امامیه ۳، ۶ (۱۳۹۶): ۵۳-۷۸.
- پاکتچی، احمد. "احادیث‌آفرینش‌آدم «علی‌صورت»": چالش‌های‌فهم‌در‌سده‌های‌دوم و سوم هجری". مطالعات‌فهم‌حدیث ۱، ۱ (۱۳۹۳): ۹-۲۷. doi: 10.30479/mfh.2015.1103
- توحیدی، امیر، بررسی‌احادیث‌مناشده، پایان‌نامه‌کارشناسی‌ارشد، گروه‌علوم‌قرآن و حدیث، دانشکده‌الهیات، دانشگاه‌تهران، ۱۳۷۷ش.
- جان‌پور، محمد، فتحیه‌فتاحی‌زاده، و سیده‌زینب‌حسینی‌زاده. "تحلیل‌محتوای‌سه‌خطبه‌غدیر‌با رویکرد‌لایه‌شناسی‌مضمونی". مطالعات‌فهم‌حدیث ۴، ۸ (۱۳۹۷): ۷۵-۱۰۳. doi: 10.30479/mfh.2018.1327
- دیاری‌بیدگلی، محمدتقی، محمدعلی‌تجری، مهدی‌دهقان‌منشادی. "تحلیل‌رویکردهای‌حدیثی‌علامه‌امینی‌پیرامون‌احادیث‌مناشده‌در‌کتاب‌الغدیر". سفینه ۱۸، ۷۰ (۱۴۰۰): ۱۳۳-۱۶۵. dor: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8
- زمخشری، محمود بن عمرو بن‌احمد، الکشاف عن‌حقائق‌غوامض‌التزیل، بیروت، دار‌الکتاب‌العربی، چاپ‌سوم، ۱۴۰۷ق.
- طبرانی، سلیمان بن‌احمد، المعجم‌الصغیر، تحقیق: محمود طحان، بیروت، دار‌الکتب‌العلمیه، ۱۴۰۳ق.
- _____، المعجم‌الأوسط، تحقیق: محمود طحان، الریاض، مکتبه‌المعارف، ۱۴۰۵ق.
- _____، مسند‌الشامیین، تحقیق: حمدی‌عبد‌المجید‌السلفی، بیروت، مؤسسه‌الرساله، چاپ‌دوم، ۱۴۱۷ق.
- _____، المعجم‌الکبیر، تحقیق: حمدی‌عبد‌المجید‌السلفی، بیروت، دار‌احیاء‌التراث‌العربی، چاپ‌دوم، بی‌تا.
- فخر‌رازی، محمد بن‌عمر، مفاتیح‌الغیب (التفسیر‌الکبیر)، بیروت، دار‌احیاء‌التراث‌العربی، چاپ‌سوم، ۱۴۲۰ق.
- قرطبی، محمد بن‌احمد، الجامع‌لأحكام‌القرآن (تفسیر‌القرطبی)، تحقیق: أحمد‌البردونی و إبراهيم‌أطفیش، قاهره، دار‌الکتب‌المصریه، چاپ‌دوم، ۱۳۸۴ق.
- معارف، مجید، غدیر در‌آینه‌آیات و روایات (مقالات)، اصفهان، مؤسسه‌تحقیقات‌رایانه‌ای‌قائمیه‌اصفهان، بی‌تا.

موسوی، سیدمحسن. "گونه‌شناسی روایات غدیر در بشارة المصطفی". پژوهش‌نامه علوی ۱۲، ۲۳ (۱۴۰۰): ۲۹۳-۳۰۹. doi:10.30465/ALAVI.2021.6859

نسائی، احمد بن شعیب، السنن الکبری، تحقیق: عبدالغفار سلیمان البنداری و سید کسروی حسن، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.

_____، خصائص امیر المؤمنین علی بن ابی طالب، تحقیق: محمد کاظم محمودی، قم، مجمع احیاء الثقافه الإسلامیه، ۱۴۱۹ق.